



لطفا به کسی برنخورد، فقط لحظه ای ببیندشیم...!

این خودرأیی ها و تابع محض امر ولی نبودن ها، گاه این صحابی پر سابقه رسول خدا را به افراط و گاه به تفریط کشاند و در پایان، سبب شد تا در سن 93 سالگی و آنگاه که دیگر کار از کار گذشته بود، به اشتباهات خود پی برده و به خونخواهی حضرت اباعبدالله (ع) قیام کند...

این خودرأیی ها و تابع محض امر ولی نبودن ها، گاه این صحابی پر سابقه رسول خدا را به افراط و گاه به تفریط کشاند و در پایان، سبب شد تا در سن 93 سالگی و آنگاه که دیگر کار از کار گذشته بود، به اشتباهات خود پی برده و به خونخواهی حضرت اباعبدالله (ع) قیام کند، به این امید که توبه خالصانه و خونس بتواند سهل انگاری ها و ولایت ناپذیری هایش را شفاعتی باشد... برای جامعه و حکومت ایران که داعیه اسلامی بودن دارد، مرور رویدادهایی که در صدر اسلام رخ داده است، می تواند درس عبرتی باشد تا از وقوع حوادث مشابه آن در زمان حاضر و آینده جلوگیری کند.

به گزارش #171;تابناک»، از جمله شخصیت هایی که به بهانه پخش سریال تحسین برانگیز #171;مختارنامه» جا دارد که به او توجه بیشتری شود، #171;سلیمان بن صد خزائی» است؛ کسی که هرچند پس از قیام امام حسین (ع) در زمره توابین قرار گرفت و اتفاقا با اخلاصی مثال زدنی تلاش کرد به جبران گذشته بپردازد، اما با این حال پیشی گرفتن وی از امام زمان خویش و گاهی عقب ماندن از او، وی را دچار تردیدهایی کرد که باعث شد با وجود سابقه بسیار در رکاب پیامبر اعظم (ص)، وی هیچ گاه نتواند در قامت افرادی چون ابوذر، مقداد، عمار، هانی، حبیب و دیگرانی از این دست ظاهر شود.

بنا بر نقل تاریخ، سلیمان در جنگ جمل به بهانه اینکه دوستانی در جبهه جملیون داشت از جنگ کناره گرفت، کناره گرفتنی که باعث رنجش امیرالمومنین (ع) شد و این در حالی بود که علی (ع) انتظارات بالاتری از سلیمان - که در زمره نخبگان بود - داشت ولی او از امام زمان خود عقب افتاد و فاصله گرفت.

او در ماجرای صلح امام حسن (ع) اما از امام زمان خویش پیشی گرفت و با وجود نظر قطعی و مسلم امام بر صلح با معاویه ملعون، به دلیل مصالح اسلام و جامعه اسلامی، همواره بر طبل جنگیدن کوبید.

این صحابی با سابقه پیامبر اسلام (ص) با مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید ملعون، از جمله پیشگامان نامه نگاری کوفیان به امام حسین (ع) بود، ولی این بار هم به بهانه اینکه هنوز تکلیفی بر جهاد علیه عبیدالله بن زیاد ندارد حرف فرستاده امام - حضرت مسلم بن عقیل - را زمین گذاشت و چنانکه در تاریخ نقل است، با تفسیری شخصی و با اتکای به نفوذش، بخشی از امضاکنندگان نامه را از رفتن به کربلا واداشت تا دست آخر با پشیمانی و حسرتی جاودانه توبه کند و به خونخواهی حسینی برخیزد که خود از یاریش کنار کشیده بود.

بنا بر آنچه گفته شد، این خودرأیی ها و پیرو محض امر ولی نبودن ها، گاه این صحابی پر سابقه رسول خدا را به افراط و گاه به تفریط کشاند و سرانجام، سبب شد تا در سن 93 سالگی و آنگاه که دیگر کار از کار گذشته بود به اشتباهات خود پی برده و به خونخواهی حضرت اباعبدالله (ع) قیام کند؛ به این امید که توبه خالصانه و خونس بتواند سهل انگاری ها و ولایت ناپذیری هایش را شفاعتی باشد.

بنابراین، آنچه را در جامعه و نظام حاکم بر ایران اسلامی اتفاق می افتد، شاید بتوان با توجه به حوادث تاریخی فوق بررسی تطبیقی نمود و هر شخص یا هر جریانی، بدون اینکه بخواهد موضعی بگیرد، با اندکی درنگ تنها به این ببیندش که در این داستان تکرار شدنی تاریخ در کجای معادله قرار دارد؟

امروز هم در این برهه از تاریخ، اتفاقا از یک سو گروهی بر ولی فقیه زمان که حکم نایب عام امام زمان (عج) را دارد پیشی می گیرند و آنقدر هم پیش می روند که گویی این ولی فقیه است که باید دنبال آنان برود و سخنان آنان را تأیید کند؛ هر جا عقیده، سخن و مشی رهبری - یا جایگاه های حقوقی منصوب وی - را موافق نظرات خویش ببیند آن را با جدیت رسانه ای پمپاژ خبری می کنند و زمانی که مخالف نظراتشان باشد، با تأویل ها و تفاسیر گوناگون، قایل به حکم خود می شوند و از کنار آن می گذرند و صد البته همچنان خود را پیرو ولی می دانند و می خوانند و هر مخالف خود را نه تنها به شمار نیاورده که با چوب ضدیت می رانند!

از دیگر سو، اما عده دیگری هم از ولی فقیه عقب می مانند و هر آنچه را او می گوید - با استنباط نادرست شخصی یا لجاجت، یا حرص مقام و یا... - فرو می گذارند و به راه خود می روند و هر چه ولی از رفتاری بازشان می دارد، آنان با جدیت بیشتری بر آن اصرار می ورزند و کیست که به حکم عقل به این باور نرسد که نتیجه رفتار این هر دو گروه یک روز فرق شکافته علی (ع) بود در مسجد کوفه،

یک روز جگر پاره پاره حسن(ع) در مدینه، روزی هم سر اباعبدالله الحسین(ع) بر فراز نیزه در بیابان کربلا و امروز... .

و این در حالی است که ولی فقیه و رهبر حکومت اسلامی در ساختار جمهوری اسلامی، هرگز نه شرع را فرو می گذارد و نه مصلحت مردم و حکومت را. پس اگر کسانی معتقد به زندگی ایمانی بوده و به دنبال رستگاری دنیوی و اخروی هستند، لازم است مراقب باشند که نه پیش از رهبر حرکت کنند و نه از او جا بمانند.

و... اللهم اجعل عاقبة امورنا خيراً